

سبک زندگی اسلامی از دیدگاه مقام معظم رهبری

امیرحسین صالحی شایگان^۱

^۱ گروه ریاضی، دانشکده علوم پایه، دانشگاه پدافند هوایی خاتم النبیه (ص)

نام و نشانی ایمیل نویسنده مسئول:

امیرحسین صالحی شایگان

چکیده

این پژوهش، سبک زندگی اسلامی از دیدگاه تبیین شده توسط مقام معظم رهبری را مطالعه می‌کند. ابتدا سعی می‌شود، با استفاده از بیانات ایشان به سولات مطرح شده در حوزه سبک زندگی اسلامی، سولاتی از قبیل، منظور از سبک زندگی اسلامی چیست؟ سبک زندگی کنونی ما تا چه حد اسلامی است؟ نقش و جایگاه ایمان و اعتقاد در سبک زندگی و تمدن سازی نوین اسلامی کجاست؟ و سولاتی از این دست که بنا به بیانات مقام معظم رهبری نیاز جامعه امروز ما در مقابله با سبک زندگی غربی می‌باشد، پاسخ داده شود. سپس به تبیین معنا و مفهوم سبک زندگی اسلامی پرداخته و نهایتاً با مطالعه راهبردهای گوناگون جهت تدوین سبک زندگی اسلامی، راهکاری برای طرح و اجرای آن عنوان می‌شود.

واژگان کلیدی: سبک زندگی اسلامی، مقام معظم رهبری.

مقدمه

تعریف سبک زندگی اسلامی

سبک زندگی مجموعه‌ای از طرز تلقی‌ها، ارزش‌ها، شیوه‌های رفتار، حالت‌ها و سلیقه‌ها در هر چیزی را در بر می‌گیرد. موسیقی، تلویزیون، روزنامه و آگهی‌ها همه و همه تصورها و تصویرهایی بالقوه از سبک زندگی فراهم می‌کنند. سبک زندگی فرد، اجزای رفتار شخصی او نیست. بیشتر مردم معتقدند که باید سبک زندگی‌شان را آزادانه انتخاب کنند (خوشنویس، ۱۳۸۸). در تعریفی ساده و کلی می‌توان سبک زندگی را شیوه‌ی زندگی تعریف کرد یا به نحو دقیق‌تر الگوها و شیوه‌های زندگی روزمره تعریف کرد که نه تنها شامل الگوهای فردی مطلوب از زندگی بلکه شامل تمام عادات و روش‌هایی که فرد یا اعضای یک گروه به آن‌ها خو گرفته، یا عملاً با آن‌ها سر و کار دارد، می‌شود. بنابراین سبک زندگی به خانه و اثاثیه محدود نمی‌شود و تمام چیزها مانند الگوهای روابط اجتماعی، سرگرمی، مصرف و لباس را در بر می‌گیرد و نگرش‌ها، ارزش‌ها و جهان بینی فرد و گروهی که عضو آن است را منعکس می‌کند. سبک زندگی بخشی از زندگی است که عملاً در حال تحقق یافتن است و در بردارنده طیف کامل فعالیت‌هایی است که افراد در زندگی روزمره انجام می‌دهند. طیف فعالیت‌های افراد در هر عرصه، می‌تواند سازنده سبک زندگی آن‌ها در آن عرصه باشد (رضوان زاده، ۱۳۸۳). اما سبک زندگی از دیدگاه قرآن چگونه است؟ قرآن در باب معنای زندگی پیشنهادی ارائه می‌دهد که در واقع همان نظریه بی‌پیرایه و تحریف نشده ادیان توحیدی است که بر هدف‌داری کیهان و تقاضای سرشت انسان تکیه دارد. به رغم وسوسه افکنی‌های داخلی و خارجی گذشته و تلاش‌های مستمر، گسترده و پر هزینه جهان شکل گرفته بر اصول روشننگری و رنسانس، دیدگاه قرآن همچنان با صلابت، سلامت و قدرت در سیمای زندگی بخشی از جامعه بشری می‌درخشد و به سایر انسان‌ها نیز نوید آرامش، آسایش و سعادت می‌دهد. (آقای نوروزلو و همکاران، ۱۳۹۱)

روش مقام معظم رهبری در مورد سبک زندگی: از استقراء به استنتاج

از این منظر که سبک زندگی و بررسی ابعاد و وجوه آن، حوزه بسیار تخصصی و حرفه‌ای در مطالعات فرهنگی به خود اختصاص می‌دهد، مقوله بسیار تعیین کننده و محوری در مطالعات و بررسی‌های کلان استراتژیک و طراحی چشم اندازهای یک فرهنگ نیز می‌باشد. اصولاً باید دانست حوزه مطالعات استراتژیک برخلاف بار لغوی آن که همواره نوعی نگاه کلان را مطرح می‌سازد، در حوزه فرهنگ تنها بر پایه مطالعات و بررسی‌های جزئی امکان پذیر است. به عبارتی در مطالعات و بررسی‌های راهبردی، از لحاظ متدولوژیک و روش‌شناختی، بایستی بر مبنای مشاهدات و تحلیل‌های جزئی، کوچک (و استقرایی) حرکت کرد تا به تحلیل و توصیف و تبیین کلان نزدیک شد و پس از آن به حوزه پیش بینی، آینده پژوهی و آینده نگری، که اساس مباحث راهبردی بر آن استوار است، نزدیک شد. بنابراین مجموعه توصیف‌های ریز و جزئی مبنای تحلیل‌های راهبردی محسوب می‌شوند و پس از آن متغیرهای کلان یا ساختاری را بایستی در این گونه بررسی‌ها وارد و اعمال نمود. چرا که واقعیت‌های موجود و پراکنده که امکان بررسی و سنجش تجربی و ملاحظه عینی داشته باشند می‌توانند پایه نتیجه گیری‌های کلان و راهبردهای آینده نگرانه باشد. در واقع با به کارگیری مفهوم سبک زندگی و ژرف اندیشی و تعمیق درباره مفهوم آن می‌توان از هنجارهای پنهان که در اذهان، باورها و رفتارهای مردم یک جامعه قابل مشاهده است، سردر آورد و از جهت گیری‌ها و الگوهای موجود یا در حال شکل گیری آتی جامعه، به نحو واقع بینانه‌ای تفسیر به دست داد. از این روست که رهبر انقلاب اسلامی در بحث سبک زندگی به مصادیق و سؤالات دقیق و جزئی و عینی و ریز شده روی آوردند و خرده گیری برخی افراد که به ورود به مصادیق جزئی توسط رهبر عالی رتبه نظام اشکال می‌کنند نشان می‌دهد که این افراد با روش‌های مدیریت استراتژیک نظام و نیز با متدهای اصلاح سبک زندگی آشنا نیستند. رهبر انقلاب با درک دقیق و درست اندیشی که از واقعیات جامعه ایران دارند مسیر استقراء جهت استنتاجات خود انتخاب نموده‌اند و این مسیری است که غرب را منفعل خواهد کرد.

مقصود از اسلامی بودن سبک زندگی چیست؟

در پاسخ به این سوال برخی اصول را فهرست‌وار اشاره خواهیم کرد:

- "هو انشاکم من الارض و استعمرکم فیها..." (سوره هود، آیه ۶۱) "همو که از زمین پدید آورد و در آن شما را به آبادانی واداشت..."
- "قل من حرم زینه الله اخرج لعباده و الطیبات من الرزق..." (اعراف، آیه ۳۲) "بگو چه کس زینت خدایی و روزی‌های پاک را که خداوند برای بندگان خود پدید آورده حرام کرده است؟"

- "اعلموا انما الحياه الدنيا لعب و لهو و زينه و تفاخر و بينكم و تكاثر في الموال و الولاد كمثل غيث اعجب الكفار ثم يهيج فتراه مصفرا ثم يكون حطاما..." (حدید، آیه ۲۰) "آگاه باشید که زندگانی دنیا، بی‌گمان، بازی و سرگرمی و زیب و زیور است و فخر فروشی به یکدیگر و افزون طلبی در اموال و اولاد، چونان بارانی که (نخست) آنچه می‌رویاند دنیا پرستان را به حیرت افکند، اما زان پس، آن همه پژمرده گردد و زردش بینی و سرانجام آخرد و ریزرز شود."
- "و لن يجعل الله للكافرين على المومنين سبيلا و..." (نساء، آیه ۱۴۱) "و خدا هرگز کافران را بر مؤمنان تسلطی نداده است."

با اسلامی بودن، ما سبک زندگی را به احکام اسلامی و واجبات و محرمات مقید می‌سازیم. با اسلامی بودن بر اصولی مانند نفی استثمار و استعمار انسان‌های دیگر و اصرار بر تأمین عدالت و نفی نگاه ابرزاری و هوسبازانه به زن و تأکید بر تحکیم مبانی خانواده و بسیاری از اصول و امور دیگر که جهان امروز بدان‌ها سخت محتاج است پای می‌فشریم.

نکته مهمی در فرمایشات رهبری در بنجورد در خصوص سبک زندگی وجود داشت که اساس تمدن غرب بر مصرف گرایی است، غرب در صدد است با تولیدات متنوع بر مصرف گرایی بی‌اندازه تأکید کند. گسترش مصرف گرایی زمینه ساز انواع لغزش‌ها و فخر فروشی‌ها و تباهی‌ها و ناهنجاری‌هاست و عملاً همه در یک مسابقه باطل قرار می‌گیرند، در حالی که پیامبر اکرم در میانه روی در مصرف تأکید داشت و از تقدیر معیشت بحث می‌فرمود، مصرف در زندگی باید محصول یک برنامه‌ریزی دقیق باشد. عقل معاش با مصرف گرایی و لوکس گرایی هرگز تناسب ندارد و کسی که می‌خواهد به زندگی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و اله) اقتدا کند نباید در زندگی او مصرف گرایی و تجمل پرستی وجود داشته باشد. در سبک زندگی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و اله)، باید مصرف با حفظ کرامت انسانی و حفظ عزت جامعه انسانی برقرار باشد. اگر مصرف گرایی تناسب با درآمد نداشته باشد، یقیناً با عزت‌مان در تضاد خواهد بود در حالی که در اسلام دست دراز کردن نزد دیگری موجب خواری انسان است. اگر من درآمدی ندارم برای نو کردن زندگی مجبور به قرض می‌شوم و این لوکس گرایی همراه با بدهی‌ها و قرض‌های متعدد، با عزت انسان تناسب ندارد. پیامبر فرمودند: "ما عال امروء قط علی اقتصاد" هیچ کس با میانه روی گرفتار فقر نمی‌شود (تحف العقول، ص ۶۰). در تعبیر دیگری میانه‌روی در مصرف را نجات بخش دانستند. در حدیثی که از پیامبر (صلی الله علیه و اله) نقل شده است سه چیز را نجات بخش می‌دانستند که یکی از آنها "القص في الغنى والفقر، (المحاسن، ج ۱، ص: ۳) رعایت اعتدال در حالت توانگری و فقر نجات بخش است (پایگاه اطلاع رسانی هشتروند روی خط، ۱۳۹۱).

سبک زندگی کنونی ما تا چه حد اسلامی است؟

آسیب شناسی سبک زندگی کنونی ما مقایسه سبک زندگی امروزمین ما با گذشته با تأکید بر دو محور امکانات زندگی و روش‌های آموزشی تفاوت بسیار کرده و آسایش و آرامش و نیاز مبتنی بر این نوع سبک زندگی ما بیشتر غربی و برگرفته از فرهنگ غربی است که در رسانه‌ها تبلیغ می‌شود. سبک زندگی، زاویه نگاه ما را تغییر داده است در این نوع سبک زندگی، نیازهای ما پا برجاست منتهی به ولع تبدیل شده است. در این سبک، نیاز به خوردن و آشامیدن هست، منتهی غذاها زود پخته می‌شود، زود خورده می‌شوند و پشت میز و فرمان اتومبیل مصرف می‌شود و نهایت اینکه، چاق می‌شویم. همچون یک سیب زمینی، تماشاگر فیلم‌های تلویزیونی هستیم که انواع مانکن‌ها را در قالب هنرپیشه نشانمان می‌دهند و دستور می‌دهند که لاغر شویم و باز هم خرج کنیم تا چربی‌های انباشته را با آن همه هزینه که پرداخته ایم، آب کنیم. مشکل چیست؟ آیا مشکل مدرنیته است؟ یا ما نتوانسته‌ایم مدرنیته را متناسب با سبک زندگی خودمان تعریف کنیم. نهایت امر همچون سرمایه‌داران عربی می‌شویم که بخاطر کنار گذاشتن سبک زندگی سنتی خودشان از انواع بیماری روانی و جسمانی رنج می‌برند. انواع غذاهای فست فود مصرف می‌کنند و ساعت‌ها پای تلویزیون خویش نشسته و مراسم سنتی و شوهای عربی خویش را تماشا می‌کنند و وضعیتی پیدا می‌کنند که کارگر از دیگر کشورهای خارجی بیاید که برای آنها کار انجام دهد. مشکل در سبک زندگی است. روش زندگی در خانه و جامعه و نظام آموزش ما در گذشته و حال یعنی پیش و پس از پیشرفت‌های صنعتی دگرگون شده است و ما به ازای گزاره‌های نیاز، برآورد، آسایش و آرامش، کم و زیاد شده است. وضعیت سبک زندگی ایرانی اسلامی سبک زندگی ایرانی اسلامی در هیچ جای کشور نه نوشته شده و نه هیچ دانشگاهی به تدریس آن می‌پردازد. در جامعه امروز ما، سبک زندگی ایرانی اسلامی که برگرفته از حیات طیبیه اسلامی و مبتنی بر توجه به تولید و آسایش همراه با احسان به دیگران - از همسایه گرفته تا هم‌نوع - ترویج هم نمی‌شود. همچنین می‌توان گفت که منبع معتبری از سبک زندگی ایرانی اسلامی که هم بر الگوهای عملی توجه داشته باشد و هم مبانی نظری را موشکافانه طرح کرده باشد، موجود نیست. حال رسانه چگونه می‌تواند به سبک زندگی ایرانی اسلامی بپردازد در حالی که ما به ازای آن در جامعه کاری انجام نشده برآورده می‌کند و در این میان به آسایش و آرامش نسبی دست می‌یابد. البته در نگاه دینی، که مبتنی بر شناختی آسمانی و بی‌خطا از انسان و جهان است، دنیا گذرگاهی آزمودنی و رنج آلود است و همین نگاه است که به ما می‌آموزد نیازها در حد کمال برآورده نخواهد شد و آسایش و آرامش مطلق نخواهد بود پس مسابقه برای سود بیشتر و رفاه از همان آغاز محکوم به شکست است. نیازهای واقعی انسان برای کارکرد دیگری در نهاد بشری تعبیه شده و برآوردن این نیازها هم روش‌های خود را دارد. به انسان، عقل هدیه شده تا نیازهایش را خود برطرف کند اما همین

عقل می تواند به خطا کشیده شود و به جای برطرف کردن نیازهای واقعی، نیازهای کاذبی را تولید کند و برای برطرف کردن این عطش کاذب، نمک را در قالب آب ارایه کند! به نظر می رسد که عطش ما برای خریدن آخرین مدل ها چیست؟ هزینه‌ای که برای گوشی همراهمان پرداخت می‌کنیم پاسخ به کدام خواسته واقعی و طبیعی ماست؟ مشکل این است که عقل و علم در راستای جهان بینی منطبق با هدف هوشمندانه جهان پیش روی ما، به کار گرفته نمی‌شوند و ما در مسیری افتاده ایم که برای خرید آسایش بیشتر، آرامش را می‌فروشیم و به جای پاسخ دادن به نیازهای طبیعی و واقعی، نیازهای کاذب و سراب تولید می‌کنیم. با مطالعه سبک زندگی امروز و مقایسه با سبک زندگی دیروز متوجه می‌شویم سبک زندگی دیروز عیب و نقصی نداشت. رابطه همه گزاره‌ها در سبک زندگی دیروز هماهنگ و به اندازه بوده است. برای همین بسته به امکانات آن روز، آسایش و آرامش برقرار بود و نیازهای واقعی نیز از راه های طبیعی آن پاسخ داده می‌شد اما امروز سبک زندگی از تقارن و همگونی خارج شده است. هیچ کس در پی بازگشت به گذشته نیست. کسی نمی‌خواهد بگوید گذشته بهتر بود. عقب گرد کار عاقلانه‌ای نیست. اما باید علم و فن آوری را در راستای آموزه‌های دینی خودمان بکار گیریم. ضعف‌های خودمان را باید شناسایی کنیم. متأسفانه امروز ابزارها بر ما حکومت می‌کنند. به جای استفاده درست از پول، پول را می‌پرستیم و به ابزارها سواری می‌دهیم. در سبک به هم ریخته زندگی امروز ما، سعادتی در میان نیست پول بیشتر برای خرید بتهای تکنولوژی دیگر است. به عبارت دیگر ما تسلیم فرهنگ مصرف غربی شده‌ایم که در گام اول همگام با دیگر کشورها به مصرفی کردن دیگر کشورهای تولید کننده شرقی از چین تا کره کرده است که با استانداردهای غربی برای مصرف انسان شرقی کالا تولید می‌کنند. نتیجه آن شد که شکل زندگی غربی بر همه جوامع مشرق زمین - از هند و چین گرفته تا کشورهای اسلامی و آفریقایی و امریکای لاتین - تحمیل شده است. چیزی که به نام الیناسیون فرهنگی در متون فرهنگی بحث‌های فراوانی شده است. در جامعه ما نیز همه اقشار جامعه به این محصول صنعت فرهنگ روی آورده‌اند. صنعت فرهنگ به گونه‌ای خاص توانسته است همه را تحت تاثیر خویش قرار دهد. اقشار پایین جامعه نیز با وسع خودشان آرزوی مصرف کالاهای همین شرکت‌ها را دارند. تازه شرکت های ما هم برای رفاه بیشتر چاره‌ای جز قدم گذاشتن در همین مسیر را ندارند. پیشنهاد می‌شود که توجه به نسبت چهارگانه زندگی و براساس فرهنگ خودمان، نیاز، آرامش، آسایش و سعادت چهار محور اصلی توجه به نوع استفاده از یک نوع کالا در هر فرهنگی است. نیاز برگرفته از یک غریزه انسانی است که در نهاد بشر نهاده شده و شامل نیاز به خوردن، آشامیدن و نیاز به داشتن چیزهای مختلف که به همراه آن جهت رفع این نیاز آرامش و آسایش قابل طرح است. آرامش بعد روانی رفع نیاز و آسایش بعد جسمانی در جهت مصرف کالایی خاص می‌باشد. نهایت اینکه سعادت هنگامی طرح می‌شود که رفع نیاز زمینه برآوردن سعادت خاص را برای بشر و انسان امروز فراهم سازد. در برخی از فرهنگ‌ها سعادت همان کسب بالاترین لذت و کامجویی است و در برخی فرهنگ‌ها معنای دیگر و اخروی پیدا می‌کند. ما باید سبک زندگی را با حوزه‌های علمیه ما هم به ابعاد اسلامی آن نپرداختند و دانشگاه‌های ما هم به شکل غربی و سبک زندگی مبتنی بر رفاه عام و آرامش و آسایش عمومی مبتنی بر مدرنیسم را پرداخته‌اند. این نوع سبک زندگی، مبتنی بر پیشرفت های صنعتی و الکترونیکی و ارتباطی در غرب است که در خود غرب هم فلسفه زندگی آنها را تغییر داده به نوعی که می‌توان گفت که بالارفتن سن ازدواج و عدم تمایل به داشتن همسر و از طرف دیگر گرایش به تنوع طلبی در همه امور از استفاده از وسایل مادی گرفته تا نوع گرایش به ارزشهای غیر مادی مبتنی بر سبک زندگی غربی است. به گونه ای که می‌توان گفت که مدرنیسم نه تنها به تغییرات در اشکال زندگی مادی آنها پرداخته حتی ذائقه فرهنگی آنها را تغییر داده و آنها در موسیقی، در رفاه، در نوع نگاه به دیگران نیز تفاوت های اساسی با انسان های شرقی پیدا کرده که ریشه در فلسفه آنها به زندگی دارد. نهایت آنکه انقلاب صنعتی و به تبع آن انقلاب در ارتباطات که عصر ارتباطات و اطلاعات را رقم زده است بسیاری از متغیرهای زندگی را تغییر داده و این تغییر باعث دستکاری نوع انسان شده است که سبک زندگی مدرن امروزی که انسان‌ها را کسل، دلمرده و خودشیفته می‌سازد، حاصل مصرف گرایی مدرن امروزی است که با اسلام تفاوت فاحش و مغایرت دارد. نقد سبک زندگی کنونی انسان نیازهایی دارد و این نیازها را به گونه ای شرایط امروز تعریف کنیم. تعریفی که با استناد به معارف ناب آسمانی تضمین کننده سعادت دنیوی و اخروی باشد و از سویی نسبت آرامش و آسایش را هم به هم نریزد و نیاز کاذب ایجاد نکند و نیازهای واقعی را برآورده سازد (باشگاه خبرنگاران، ۱۳۹۱).

آسیب شناسی سبک زندگی در فضای کنونی کشور

پیشرفت در علم، صنعت، اقتصاد و سیاست که بعد ابزاری تمدن اسلامی را شکل می‌دهد، وسیله‌ای است برای دستیابی به سبک و فرهنگ صحیح زندگی و رسیدن به آرامش، امنیت، تعالی و پیشرفت حقیقی. اگر پیشرفت همه‌جانبه را به معنای تمدن سازی نوین اسلامی بگیریم این تمدن دارای دو بخش ابزاری حقیقی و اساسی و سخت افزاری خواهد بود که سبک زندگی بخش حقیقی آن را تشکیل می‌دهد. حضرت آیت الله خامنه‌ای، تحقق هر دو بخش تمدن نوین اسلامی را ضروری خواندند و افزودند: بخش ابزاری، یا سخت افزاری این تمدن، موضوعاتی است که در فضای امروز، به عنوان نموده‌های پیشرفت مطرح می‌شود از قبیل علم، اختراع، اقتصاد، سیاست، اعتبار بین‌المللی و نظایر آن. رهبر انقلاب اسلامی، در تشریح مفهوم سبک و فرهنگ زندگی، به مسائلی نظیر خانواده، ازدواج، نوع مسکن، نوع

لباس، الگوی مصرف، تفریحات، کسب و کار و رفتارهای فردی و اجتماعی در محیط‌های مختلف، اشاره کردند و افزودند: در واقع سبک زندگی به همه مسائلی بر می‌گردد که متن زندگی انسان را شکل می‌دهند (پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۹۱).

سبک زندگی کنونی ما در مواجهه با غرب مدرن از دید گاه رهبر انقلاب

غرب فرهنگی و فلسفی با تفکری که در آن انسان می‌خواهد جای خدا را بگیرد و به صورت موجودی صاحب علم و اراده و قدرت و در جایگاه تشریع ظاهر شود و می‌بایست همه چیز را در تصرف و تملک خود درآورد، پدید آمد. غرب آن چنان که بسیاری از متفکران غربی نیز به آن اذعان کرده‌اند، کوشیده است تاریخی جدید با نگرش و هویتی جدید را برای انسان رقم بزند. امثال نیچه، هایدگر، هانری کربن، رنه گنون، شوان و فوکو هر کدام به نحوی به این تعارض اشاره داشته‌اند. از آن جا که جامعه ایران یک جامعه دین دار، دین محور و خدامحور است و در آن پایبندی به دین و سنت تا حدود زیادی یافت می‌شود با ورود نگرش‌ها و اندیشه‌های غربی و جلوه‌های مدرنیته توسط افرادی چون میرزا ملکم خان، میرزا آقاخان کرمانی و آخوندزاده که از پیشروان آشنایی با تجدد بودند، این تضاد و چالش بین این دو فرهنگ کاملاً متفاوت، بروز پیدا کرد و هنوز این چالش ادامه یافته است. عده‌ای که به جریان روشنفکری غیر دینی شهرت یافته‌اند با نام پیشرفت و توسعه و نفی عقب ماندگی تاریخی سعی در القای اندیشه‌های غربی و تجدد حاصل از رشد و گسترش بینش غربی بودند. عده‌ای دیگر کوشیدند راه‌های میانه را مطرح کنند و عده‌ای دیگر به نفی مدرنیته و نقد آن روی آوردند. البته هیچ کدام از ایشان به راهکار و راهبردی در خور برای این دوران گذار، دست نیافتند و به مقام پرسش و انتقاد اکتفا کردند. تاریخ و سنت اسلامی ایرانی ما سودایی دیگر و نگاهی متفاوت و معترض نسبت به غرب دارد. مشکل این است که در عصر حاضر، تاریخ غربی تمام تاریخ بشر را پوشانده و در همه جا درباره گذشته بشر به طور کلی با موازین غربی حکم می‌شود. متأسفانه جامعه ایرانی علی‌رغم مقاومت‌های آگاهانه روحانیت اصیل و مردم دین مدار با بسیاری از سنن خویش و امور هویتی و اشکال و قالب‌های سبک زندگی دینی‌اش وداع کرد و عرصه را برای غرب زدگی فراهم نمود که منجر به تعریف جدیدی از هویت، زندگی، عالم، علم و دین و دینداری گشت. باید این نظریه انتقادی رهبر شجاع انقلاب را درک کنیم که مواجهه تمدن ایرانی اسلامی با فرهنگ و تمدن غرب که امروزه بر تمام جهان سیطره یافته است، سبب تحولات بسیاری در تمام شئون جامعه ایرانی شد و چرا هایی که ایشان مطرح می‌کنند نیاز به ریشه یابی معرفتی دارد. ایرانیان همان طور که در برخی هویت و ارزش‌ها، دچار بحران شده‌اند، در سبک زندگی نیز در ۱۰۰ ساله اخیر به ویژه از دوران روی کار آمدن رضاخان و تجدد آمرانه‌اش، دچار تشتت بسیار در نگرش‌ها و گرایش‌ها، آداب و رسوم، نظامات و سنن اجتماعی، باورها و حتی باورهای دینی خود گشته و سبک زندگی اسلامی ایرانی دچار تضادها و تناقض‌های بسیار شده است، به نحوی که از جامعه ما یک جامعه شبه مدرن ساخته است که نه می‌توان آن را سنتی و اسلامی نامید و نه می‌توان بر آن نام مدرن نهاد. باید از این تذبذب هویتی نگران بود. نگرانی در کلام انتقادی ولی امر مسلمین کاملاً قابل درک است. رهبر انقلاب اسلامی می‌کوشند تا این فرضیه کلان را اثبات نمایند که زیستن ایرانی در زمانه کنونی، برآمده از مواجهه و نزاع دو سبک زندگی غربی و اسلامی است (پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۹۱).

سبک زندگی پیامبر اسلام (ص)

رسول اکرم (صلی الله علیه و اله) شخصیت کامل و جامعی است، سیره اخلاقی پیامبر و شخصیت ایشان مانند دین اسلام، جامع و همه جانبه است و در واقع وقتی از جامعیت اسلام سخن می‌گوییم این نگاه جامع را هم می‌توانیم در زندگی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و اله) ببینیم، جامعیت در شخصیت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و اله) موج می‌زد به تعبیر علامه شهید مطهری: تاریخ هرگز شخصیتی مانند او را یاد ندارد که در همه ابعاد انسانی در حد کمال و تمام بوده باشد. او به راستی انسان کامل بود (مجموعه آثار استاد شهید مطهری). پیامبر در مسائل شخصی اهل نرمش و مدارا بود و در مسائل اصولی صلابت ویژه‌ای داشت، هم مرد جنگ بود و هم مرد معنویت، هم مرد عبادت و پارسایی بود و هم مرد سیاست، متهور در جنگ بود و آرامش و صفای معنوی در او موج می‌زد، از افراط و تفریط دور بود، در عین اینکه مردم را از بنده شکم بودن دور می‌کرد، اجازه نمی‌داد راه راهبان را پیش بگیرند، بوی خوش، نماز و شب زنده داری، لذت حلال، گرسنگی و تواضع، سادگی را دوست داشت و در مقابل آن تکبر، شرک، اشرافیت و تملق و چاپلوسی را دشمن می‌شمرد. توجه به این نکات، زندگی ساز است. سخن از سبک زندگی یعنی توجه به این ابعاد جامع. اینجاست که انسان می‌تواند با اقتدا به پیامبر اکرم زندگی زیبایی را برای خود ترسیم کند. پیامبر در عین سادگی طرفدار فقر نبود، مال و ثروت را به سود جامعه می‌دانست و آن را در صرف راه‌های مشروع لازم می‌دانست، مرحوم فیض در محجة البیضاء ج ۶ ص ۴۴، به این مطلب حضرت اشاره دارد که ایشان می‌فرمود: ثروتی که از راه مشروع بدست آید، چه نیکوست، برای آدمی که شایسته داشتن ثروت باشد و بداند چگونه این ثروت را صرف کند. با این فرهنگ و سبک زیبای

زندگی، می‌توانیم زندگی خود را سامان دهیم و این سبک مدلی است قابل ارائه برای پیروان محمد صل‌ی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم گرچه پیروان ادیان دیگر باشند. جوهر وجود آدمی با تلاش و کار جلوه گر می‌شود، اسلام از انسان می‌خواهد که در آبادانی و عمران زمین همت کند و به عنوان عضوی از جامعه برای زندگی خوب و آبرومند نقش ایفا کند، کار کند و سهمی در سازندگی و تولید داشته باشد و کسی که در تولید و سازندگی سهمی داشته باشد، طبیعتاً به یک در آمد مشروعی هم می‌رسد. از این رو امروزه کار، نقش مهمی در سبک زندگی و عقل معاش ایفا می‌کند. (آقای نوروزلو و همکاران، ۱۳۹۱)

نکاتی در رابطه با اهمیت کار در سبک زندگی پیامبر (صلی الله علیه واله)

انضباط کاری:

انسان در حوزه کاری خودش باید از انضباط و وجدان کاری برخوردار باشد. هر کاری را با استحکام و درستی انجام دهیم.

تناسب نوع کار با استعداد آدمی:

استعداد فرد با نوع کاری که دارد باید تناسب داشته باشد در جوامع حدیثی ما از پیامبر اکرم (صلی الله علیه واله) نقل شده است: کل میسر لما خلق له، بحار الأنوار ج ۴، ص ۲۸۲. همه شما کار کنید، اما متوجه باشید که هر کس برای کاری آفریده شده است که آن کار را بهتر و با سهولت انجام می‌دهد.

پرهیز از بطالت و بیکاری:

از بطالت و بیکاری دوری کنیم، پیامبر بشدت از تنبلی و بی کاری متنفر بودند می‌فرمودند: اللهم انی اعوذبک من الهم و الحزن و العجز و الکسل، من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳۳۵. خدایا از تنبلی و کسالت به تو پناه می‌برم. باور ما این است که تنبل در رسیدن به آرزوها ناکام می‌شود، کاهلی به نوعی مردن پیش از وقت است، آفاتی مانند دلسردی، ملولی و تباهی و نیازمندی را به دنبال دارد. اندیشه یک انسان بیکار کارگاه شیطان می‌شود، در نزد خدا انسانی که اساس زندگی را بر بیکاری می‌گذراند، جایگاهی ندارد، پیامبر (صلی الله علیه واله) می‌فرماید: ان الله یبغض شاب الفارغ، خدا جوان بیکار کاهل را دوست ندارد. در جامع الاخبار ص ۳۹۰ آمده است: روزی پیامبر (صلی الله علیه واله) یکی از یاران خود را دید و سؤالاتی کرد و پیامبر گفتند شغل چیست؟ گفت بیکارم حضرت فرمودند: سقط عن عینی، از چشمم افتادی. لذا انسان در کار و تولید باید نقش موثری را ایفا کند و نقش آفرینی موثر یک فرد می‌تواند عقل معاش را سامان دهد و عملاً در این زمینه می‌توانیم به سبک زندگی ارائه شده از سبک زندگی پیامبر (صلی الله علیه واله) تکیه کنیم.

در سبک زندگی پیامبر اکرم (صلی الله علیه واله) مصرف و لزوم توازن آن با درآمد چگونه بیان شده است؟

اگر فردی بین درآمد و مصرفش توازن ایجاد کند در زندگی تنگدست نمی‌شود، ولخرجی نمی‌کند، با حساب خرج می‌کند، از قیمت‌ها با خبر می‌شود به راحتی فریب نمی‌خورد، اهل چانه زدن است. با این توضیح می‌توان گفت: عقل معاش یعنی توانایی مصرف معقول، لذا اگر توانایی کسب درآمد و توانایی مصرف معقول در کنار هم قرار بگیرد می‌شود عقل معاش. کسی که بتواند درآمد و خرج را مطابق دخل خود قرار دهد و در مصرف، اسراف و ولخرجی نکند یعنی اقتصاد و تقدیر معیشت دارد و این تقدیر معیشت و رعایت عقل معاش جزوی از کمال انسان تلقی شده است: الکمال کل الکمال التفقه فی الدین و الصبر علی النائبه و تقدیر المعیشه، کافی (ط - الإسلامية)، ج ۱، ص ۳۲. نهایت کمال انسان دانشمند شدن در دین، صبر بر بلاها و اقتصاد در زندگی است.

نکته مهمی در فرمایشات رهبری در بجنورد در خصوص سبک زندگی وجود داشت که اساس تمدن غرب بر مصرف‌گرایی است، غرب در صدد است با تولیدات متنوع بر مصرف‌گرایی بی‌اندازه تاکید کند. گسترش مصرف‌گرایی زمینه ساز انواع لغزش‌ها و فخر فروشی‌ها و تباهی‌ها و ناهنجاری‌هاست و عملاً همه در یک مسابقه باطل قرار می‌گیرند، در حالی که پیامبر اکرم در میانه روی در مصرف تاکید داشت و از تقدیر معیشت بحث می‌فرمود، مصرف در زندگی باید محصول یک برنامه ریزی دقیق باشد. عقل معاش با مصرف‌گرایی و لوکس‌گرایی هرگز تناسب ندارد و کسی که می‌خواهد به زندگی پیامبر اکرم (صلی الله علیه واله) اقتدا کند نباید در زندگی او مصرف‌گرایی و تجمل پرستی وجود داشته باشد.

۱۸ دستورالعمل برای سبک زندگی

- ۱- رفتار در خانواده: روح محیط خانه عبارتست از خانواده، باید به این اهمیت داد باید در این تأمل و تدبر نمود. «بیانات در دیدار با جمعی از بانوان فرهیخته ی حوزوی و دانشگاهی ۱۳۹۱/۰۲/۱۲»
- ۲- تحصیل: از لحاظ علمی خودتان را پیش ببرید شما می خواهید ستونی باشید که مدنیت ایران بر روی این ستونها سر پا بایستد. «دیدار با جمعی از اعضای انجمن های اسلامی دانشجویان ۱۳۸۶/۰۲/۱۹»
- ۳- مصرف: جنس داخلی که مصرف شد آن کننده ی کار ابتکاراتی دارد، این ابتکارات را روز به روز افزایش خواهد داد. «حرم رضوی ۱۳۹۳/۰۱/۰۱»
- ۴- کسب: در هر نقطه که مشغول کاری هستید این کار، کشور شما را از بیگانگان بی نیاز و به آبادانی کشور کمک می کند. «دیدار با معلمان و کارگزاران ۱۳۷۰/۰۲/۰۹»
- ۵- ازدواج: من از این بیم دارم که نگاه بی تفاوت نسبت به مسئله ازدواج تبعات سختی را برای کشور به وجود بیاورد. «دیدار دانشجویان ۱۳۹۵/۰۵/۰۱»
- ۶- پوشش: نه اینکه من بخواهم بگویم چادر نوع منحصر است، نه چادر بهترین نوع حجاب است یک نشانه ی ملی ماست. «دیدار اعضای شورای فرهنگی اجتماعی زنان ۱۳۷۰/۱۰/۰۴»
- ۷- تفریح: شاید بهترین ساعات تفریح برای بنده در شبانه روز آن ساعتی است که به کارهای علمی خودم می پردازم. «دیدار اساتید دانشگاهها ۱۳۸۱/۰۸/۲۲»
- ۸- سفر: بعضی ها قبل از اینکه به سفر مکه بروند سوغاتی سفر را در اینجا می خردند کار خوبی است. «دیدار کارگزاران حج ۹۰/۰۷/۱۱»
- ۹- بهداشت: لباس پیامبر وصله زده و کهنه بود اما تمیز بود این چیزهای به ظاهر کوچک در باطن بسیار موثر است. «نماز جمعه ۱۳۷۹/۰۲/۲۳»
- ۱۰- خوراک: آیا غذا می خوریم تا جان بگیریم و راه بیفتیم و نانی گیر بیاوریم و دوباره بخوریم؟ این که چیز پوچی است. «دیدار فرماندهان نیروی زمینی و هوآنیروز ۱۳۶۸/۱۲/۰۵»
- ۱۱- دخل: بر ملتی که حساب دخل و خرج خود را دارد از تحریم ضرری وارد نمی شود. «خطبه های نماز عید فطر ۱۳۸۶/۷/۲۱»
- ۱۲- دوستی: این دست دوستی، پیوند عاطفی، ارتباط محبت آمیز میان برادران، میان دوستان، میان خواهران، میان آحاد ملت اسلامی خیرخواهی خیراندیشی را باید حفظ کرد. «بیانات در دیدار با جمعی از پاسداران ۱۳۷۶/۰۹/۱۲»
- ۱۳- کار جمعی: اسلام گفته است: «واعتصموا بحبل الله جمیعاً» یعنی حتی اعتصام به حبل الله هم باید دسته جمعی باشد. «دیدار جوانان خراسان شمالی ۹۱/۰۷/۲۳»
- ۱۴- معماری: باید حفظ هویت و اصالت شهرها و پای بندی به معماری اسلامی و ایرانی و رعایت زیبایی و استحکام برجسته شود. «پیام به مناسبت آغاز به کار شوراها ۱۳۸۶/۰۲/۰۸»
- ۱۵- خودسازی: اولین و مهمترین قدم خودسازی اینست که انسان به خود و به اخلاق و رفتار خود با نظر اعتقادی نگاه کند. «خطبه های نماز عید فطر ۱۳۸۰/۰۹/۲۵»
- ۱۶- رفتار در جامعه: فرهنگ به عوان عامل اصلی در رفتارهای اجتماعی کشور، معلول عنه قرار گرفته و آن چنان که باید و شاید نیست. «دیدار اعضای شورای انقلاب فرهنگی ۱۳۸۷/۰۹/۲۳»
- ۱۷- رسانه: افزایش مطبوعات، تنوع آن، کیفیت یافتن آن، و اگر خطایی دارد تصحیح آن جزو کارهای اساسی در این نظام است. «دیدار مدیران مطبوعات ۷۵/۰۲/۱۲»

۱۸- **مناجات:** از امام پرسیدم کدام دعا را بیشتر از همه خوشتان می آید و دوست دارید؟ فرمودند دعای کمیل و مناجات شعبانیه. «دیدار با وزیر، مدیران و کارکنان وزارت اطلاعات ۱۳/۰۷/۱۳۸۳»

تکنیک های قرآن برای اصلاح سبک زندگی

یکی از آیاتی که امروز مورد بررسی قرار می دهیم آیه ۷۷ از سوره مبارکه قصص است تا با چهار تکنیک موفقیت و به عبارتی دیگر سبک زندگی در این آیه آشنا شویم:

وَأَبْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا وَأَحْسِنْ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ وَلَا تَبْغِ الْفُسَادَ فِي الْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ: و با آنچه خدایت داده سرای آخرت را بجوی و سهم خود را از دنیا فراموش مکن، و همچنانکه خدا به تو نیکی کرده نیکی کن و در زمین فساد مجوی که خدا فسادگران را دوست نمی دارد. (القصص: ۷۷)

تکنیک اول: باید به فکر آینده باشیم (وَأَبْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ)

آیات الهی همه انسان ها را توصیه می کنند تا علاوه بر اینکه از زندگی در حال نهایت استفاده را می برند، به فکر آینده خود نیز باشند و توشه ای مناسب برای آینده مهیا کنند. این آینده نگری هم می تواند نسبت به سرای آخرت باشد که این قسمت از آیه به آن اشاره دارد و هم می تواند نسبت به دنیایی که در آن زندگی می کنیم باشد بدین صورت که ما از هم اکنون برای زندگی خود برنامه ریزی کنیم و اهدافی را که قرار است به آنها برسیم تعیین کنیم و در مرحله بعد برای رسیدن به آن اهداف نهایت سعی و تلاش خود را بکار ببندیم. نعمت ها و امکاناتی را که در اختیار دارید همیشه در راه درست و صحیح استفاده کنید که این امر سبب می شود تا به امکانات بیشتری در زندگی دست پیدا کنید.

تکنیک دوم: زیبایی های دنیا را از دست نده (وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا: و سهم خود را از دنیا فراموش مکن) تا می توانیم از لذت های مشروع دنیا استفاده کنیم و خود را محروم از آنها نکنیم چرا که خداوند متعال در آیه ۳۲ سوره اعراف می فرماید: (قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ ذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ: ای پیامبر! بگو: «زیورهای را که خدا برای بندگانش پدید آورده، و [نیز] روزی های پاکیزه را چه کسی حرام گردانیده؟» بگو: «این [نعمتها] در زندگی دنیا برای کسانی است که ایمان آورده اند و روز قیامت [نیز] خاص آنان می باشد.» این گونه آیات [خود] را برای گروهی که می دانند به روشنی بیان می کنیم.) (الاعراف: ۳۲)

تکنیک سوم: بیا و خوبی کن (وَأَحْسِنْ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ: و همچنان که خدا به تو نیکی کرده نیکی کن) همانطور که دوست دارید در مواقع نیاز کسی به فریاد شما برسد و دست شما را بگیرد شما نیز نسبت به دیگران این گونه عمل کنید. همانطور که دوست دارید دیگران نسبت به شما رفتار خوبی داشته باشند، شما نیز نسبت به دیگران همان رفتار را از خود بروز دهید. آیات الهی همه انسان ها را توصیه می کنند تا علاوه بر اینکه از زندگی در حال نهایت استفاده را می برند، به فکر آینده خود نیز باشند و توشه ای مناسب برای آینده مهیا کنند.

تکنیک چهارم: نمک بخور نمکدان نشکن (وَلَا تَبْغِ الْفُسَادَ فِي الْأَرْضِ: إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ: و در زمین فساد مجوی که خدا فسادگران را دوست نمی دارد).

و **آخرین قانون** اینکه نعمت ها و امکاناتی را که در اختیار دارید همیشه در راه درست و صحیح استفاده کنید که این امر سبب می شود تا به امکانات بیشتری در زندگی دست پیدا کنید.

خلاصه کلام آنکه آیات الهی به بهترین نحو سبک زندگی را برای ما معرفی کرده اند سبکی که اگر آن را در زندگی خود پیاده کنیم موفقیت در دنیا و آخرت برای ما تضمین شده است.

نتیجه گیری

و اما نقشه راه...

در ادامه سؤالاتی که رهبر انقلاب طرح فرمودند سؤالات زیر نیز قابل بحث است:

۱- چرا رویکرد کارکردگرایانه سبک زندگی مسیحی و غربی در برابر القای نگاه انتزاعی و غیرکاربردی از سبک زندگی اسلامی در برخی بخش‌ها موفق جلوه کرده است؟

۲- تغییر در جامعه از کجا شروع می‌شود؟ لایه عینی و سطحی؟ سبک زندگی، نگرش، اندیشه، اخلاق، یا اعتقادات، کدام یک؟

۳- سبک زندگی در تحول سیرابعد حیات اجتماعی هم چون اندیشه، اعتقاد و دانش چه نقشی دارد؟

۴- آیا سبک زندگی مستقلاً قابل تغییر است؟ مقصود استقلال در مقابل اخلاق، اعتقاد، اندیشه و نظریات علوم اجتماعی و نظام‌های اجتماعی است.

۵- مفروض بر آن که پاسخ سوال قبل مثبت باشد، آیا در راستای دینی کردن جامعه بر این تغییر فایده‌ای مترتب است؟ مقصود آن است که آیا آغاز کردن از سبک زندگی برای تغییر ماهیت جامعه با مقصد دینی، آغاز درستی است؟

۶- عوامل اصلی تعیین‌کننده سبک زندگی کدامند؟

۷- آیا اندیشیدن به راهی برای تغییر سبک زندگی که بتواند بر عوامل اصلی کنونی غلبه کند و یا آن را دور بزند عقلانی است؟

۸- از منظر دین، محور و عامل اصل تغییر در سبک زندگی چیست؟

۹- آیا می‌توان مدلهای مختلف سبک زندگی را با هم جمع نمود؟

برای طرح صحیح پرسش‌های دیگر باید فهم دقیق و کلانی از آن چه هستیم داشته باشیم. گاه در خیابان‌های شهری بزرگ می‌چرخیم و گاه بر نقشه شهر اشراف می‌یابیم. در موضوعی نظیر سبک زندگی نیز کثرت عوامل موثر و دخیل آن قدر زیاد است که اگر عمری را هم در بررسی آن صرف کنیم باز عواملی از قلم خواهد افتاد. برای آشنایی با شهر، چرخیدن در خیابان‌ها تا حدی لازم و مفید است اما کسی که سودای تغییر در نقشه شهر در سر می‌پروراند، نمی‌تواند عمر خود را صرف خیابان گردی کند. او به فهم و طرحی کلان از شهر محتاج است. در بین کوچه و پس‌کوچه‌های بی‌شمار سبک زندگی، باید بتوانیم گذرگاه‌های اصلی و گلوگاه‌های شهر را تشخیص دهیم. این‌ها گفته شد تا وقتی می‌پرسیم سبک زندگی را کدام عوامل تعیین می‌کنند از فهرست کردن هزاران عامل خودداری کنیم. در میان هزاران نیرویی که در جهت‌های مختلف بر یک نقطه وارد می‌شود، چند نیروی محوری وجود دارد که برآیندشان جهت اصلی را تعیین می‌کند و رفته رفته ریز نیروها را با خود هم جهت می‌سازد. این از نظر فیزیکی درست نیست اما نیروهای جوامع انسانی را حکمی دیگر است. این نیروها کدامند؟ نقشه راه ترسیمی از سوی رهبر حکیم انقلاب مبنای کار ما خواهد بود.

سبک زندگی منعکس‌کننده‌ی گرایش‌ها، تمایلات، عقاید و سلیقه‌های یک فرد و یک جامعه است که با بکارگیری آن می‌توان هنجارهای پنهان در اذهان، باورها، و رفتارهای مردم یک جامعه و جهت‌گیری و نوع نگاه آن‌ها از هستی را نشان داد و بر مبنای نوع نگاه به زندگی، هستی، رفتار و کردار خود در اعمال زندگی روزمره، به هدفمندی و غایت زندگی پرداخت. باید در نظر داشت که سبک زندگی ابعاد مختلف سیاسی اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی تا روابط اجتماعی در حوزه‌ی زندگی فردی و جمعی را در بر می‌گیرد. یکی از بعدهای اصلی سبک زندگی که امروزه به عنوان پایه و ستون سبک زندگی مطرح است، همانا موارد و مباحث فرهنگی است. با تحولات رخ داده در دنیا خصوصاً از سده‌ی ۱۸ میلادی به بعد با گسترش جوامع انسانی در ابعاد گوناگون، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی گستره‌ی روابط بشر توسعه پیدا کرده که شاهد دگرگونی عمیق در سبک زندگی افراد و جوامع می‌باشیم. برای اینکه فرد بتواند محدودیت‌ها و امکانات فکری خویش، چشم انداز زندگی خود را ترسیم کنند و زندگی بهتر و هدف داری را دنبال کنند مستلزم شناخت ابعاد مختلف زندگی در حوزه‌های فردی و جمعی است. با بررسی سبک‌های مختلف زندگی بشری شاهد سبک‌های متفاوت و مختلفی از دنیایی محض تا اخروی محض هستیم. اصولاً از آن جهت که انسان موجودی تک‌ساحتی و تک‌بعدی نیست بلکه، با ماهیتی دو وجهی نیازمند اعتلای وجه جسمانی و روحانی است، در سایه سبک زندگی اسلامی که به عقل معاش و عقل معاد که در واقع به تکمله بودن این دو مفهوم عنایت خاصی دارد قابل تحقق است (ابادری و همکاران، ۱۳۸۱). هدف سبک زندگی اسلامی صرفاً پرورش افراد دیندار و پرهیزکار نیست، بلکه ساختن جامعه‌ای مطلوب و آرمانی در قالب تمدنی شکوهمندی که در آن روابط اجتماعی و الگوهای رفتاری بر اساس اهداف و احکام دین سامان گیرد. فرهنگ تجمل‌گرایی، مصرف‌گرایی، مد‌گرایی و هزاران موارد دیگر که این روزها خصوصاً در شهرهای کلان به وضوح دیده می‌شود زمینه را برای تضعیف ریشه‌های بنیادی ارزشی، دینی خانواده و افزایش طلاق، مشکلات روحی روانی فساد که پیامدهای سبک زندگی سرمایه داری و فاصله گرفتن از ارزش‌های

دینی و معنویت گرایی است را فراهم می‌کند و اگر با همین شرایط پیش رود این مشکلات در جامعه گسترش پیدا می‌کنند باعث از بین رفتن و فروپاشی اساس خانواده، مذهب معنویت و نابودی زندگی همه مردم گردد. تلاش‌هایی در جهت جهانی معتدل و ارزش مدار که در آن سعادت فرد و جامعه با هم پیوند خورده و همه‌ی افراد آن جهت نیل به این اهداف متعالی نیازمند در پیش گرفتن رویکردی درست، منظم، آشنا بودن مجریان و متولیان مربوطه با روح حاکم بر آموزه‌های اسلامی، تبیین درست از الگوی زندگی اسلامی در نظام آموزشی، رسانه ملی، نظام خانواده و ... کاملاً محقق گردد. بنابراین در تایید فرمایشات مقام معظم رهبری در مورد مهندسی فرهنگی، باید الزام یک رویکرد فرهنگی پیوسته و طراحی یک الگو و نقشه جامع و برنامه ریزی دقیق مبتنی بر تحلیل، عدم توجه به شعار و تئوری و برنامه های مقطعی و زودگذر، به عنوان یک امر اساسی و در اولویت تمام دست‌اندرکاران و متولیان فرهنگی نظام و تمام ملت قرار گیرد.

مراجع

- آقای نوروزلو، یعقوب، آقای نوروزلو معصومه (۱۳۹۱). سبک زندگی اسلامی در افق تبیین شده مقام معظم رهبری، دومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت: مفاهیم، مبانی و ارکان پیشرفت.
- اباذری، یوسف، چاووشیان حسن (۱۳۸۱). از طبقه تا سبک زندگی، نامه علوم اجتماعی شماره ۲۰.
- باشگاه خبرنگاران، www.yjc.ir
- پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت الله خامنه‌ای، www.khamenei.ir
- پایگاه اطلاع رسانی هشتگرد روی خط، <http://peykehashtrood.ir>
- خوشنویس، ناهید (۱۳۸۸) بررسی تاثیر برنامه های تلویزیونی بر سبک زندگی، ماهنامه علمی/ تخصصی انجمن روابط عمومی ایران شماره ۶۹.
- رضوانزاده، نورالدین (۱۳۸۳). بررسی تأثیر ارتباطات در تمایل به تغییر سبک زندگی در جامعه روستایی، پایان نامه دکتری علوم ارتباطات دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی.